دشمنان انبياي الهي: از گوساله پرستان سامري تا صهيونيزم بين المللي و تكفيري‌هاي عرب تبار يهودي الاصل داعش، در مقابله با انقلاب اسلامي

دشمنان انبياي الهي: از گوساله پرستان سامري تا صهيونيزم بين المللي و تكفيري‌هاي عرب تبار يهودي الاصل داعش، در مقابله با انقلاب اسلامي

أ. محمد رحيم افضلي/ افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدالله رب العلمين، والصلوه والسلام علي نبينا محمد وآله الطاهرين وعلي جميع الا ئمه المعصومين و علي الاوصيا ء العارفين وعلي العلما ء العاملين وعلي الفقها ء المجاهدين اما بعد قال الله تبارک و تعالي في القر آن المبين

بسم الله الرحمن الرحيم»

فاعتبرو يا اولاً ابصار

جناب رئيس، هيئت محترم، حضار گرامي خواهران و برادران سلام عليكم و رحمت الله و بركاته.

محترماً: اجازه بفر مائيد مختصراً مطلبي پيرامون، (دشمنان انبياي الهي: از گوساله پرستا ن سامري تا صهيونيزم بين المللي و تكفيري‌هاي عرب تبار يهودي الاصل داعش، در مقابله با ا نقلاب اسلامي) باشما صحبت نمايم.

اما قبل از هرچيز، شايسته و سزاوار ميدانم ياد امام راحل رهبركبيرو فر زانه انقلاب و بنيان گزار جمهوري اسلامي را گرامي داشته و درود بي پايان خويش را بر روان آن عارف شب زنده دار، متوكل به خدا، مطمئن به عنايات الهي و همكاري مردم بفرستم.

و از دين باوري عميق وژرف ولي امر مسلمين رهبر فرزانه انقلاب اسلامي نسبت به اسلام، ولايت، و وحدت امت اسلامي نه تنها بايد آموخت كه تشكرو قدر داني نمايم، كه مجمع تقريب مذاهب اسلامي را در راستاي هدف بلند امام راحل مديريت و رهبري نموده تا بادرک او لويت هاي زماني و مكاني اسلام و مسلمين در رابطه با سرنوشت آنها به صحبت نشسته وبستري براي بيداري انسانها و تحقق اسلام و ظهور حضرت حجت ابن الحسن العسكري (ع) تدارک ديده و آماده سازي مي‌كنند.

حضارمحترم:

بحران و چالش و شكست در اردو گاه قدرتهاي بزرگ بين المللي به معني حقيقي كلمه زماني رقم زده شد كه پير مردي از تبار ابراهيم تبر بدوش، راه مستقيم و هدايت را نه تنها در تدبير و انديشه كه در رفتن بطرف جهان فراتر از جهان قدرتهاي بزرگ جهاني ترسيم و توصيه نمودندو چه زيبا فرمودند كه: ملت آمريكا كم كم بيدار مي‌شوند و خواهد شد.....

همچنانيكه رهبر فرزانه انقلاب و ولي امر مسلمين با رهنمودهاي خرد مندانه وتلاش توام با اميد صحبت از آگاهي جوانان و متفكرين و انديشمندان جهان بخصوص اروپا و غرب را عنوان نموده كه اگر چنانچه خوب و دقيق مديريت شود مطمئناً اثراتي را در اقصي نقاط جهان در پي خواهد داشت.

در روشنايي بيان زيبا و قاطع ولي امر مسلمين اعلام مي‌نمايم: كه دشمنان اسلام با استفاده از تحجر و تعصب توام با حسادت نسبت به اسلام محمدي (ص) وسيره رسو ل ا در تباني با صهيو نيزم بين المللي و پس مانده‌هاي كينه توز وحسود شجره خبيثه و تكفيري‌هاي مرتبط با يهود، نسبت به خاندان عصمت و طهارت زير نام اسلام چهره پنهان نموده است تا جلو جهاني شدن اسلام و انقلاب اسلامي را گرفته و مسلمانان را بد نام كنند

يرادران و خواهران:

انديشه اسلام زدايي پس از پيروزي انقلاب اسلامي و عملياتي نمودن راهكارهاي عليه اسلام مبتني بر كتاب ا و عقل گره خوره به خاندان عصمت و طهارت و بيداري امت اسلامي، پديده دور از توقع نبوده است واگر چنانچه كساني فكر كرده و يا مي‌كنند كه دشمنان اسلام نبوي و انقلابي دست روي دست مي‌گذارند

وتوطه نمي‌كنند، بايد بدانند كه دشمنان اسلام در اين عصر و زمان به نسبت هر زمان و عصر ديگر نه تنها فعال‌تر شده‌اند كه تمامي تلاش و توطئه خود را با شبكه‌هاي صهيونستي عربي و غير عربي در دشمني با اسلام محمدي به همكاري قدرتهاي بزرگ و شبكه‌هاي مافيايي و استخباراتي دولت‌هاي وابسته به استكبار جهاني در راستاي مخالفت با انقلاب اسلامي بكار انداخته تا جلو رشد و گسترش انقلاب اسلامي و اسلام محمدي را بگيرند.

اينكه چرا كشورهاي اسلامي را در اولويت قرار داده و زير نظر گرفته و نطفه گذاري نموده و اقدام به ايجاد گروه‌هاي سياسي نظامي فرهنگي، اقتصادي و استخباراتي مي‌نمايند براي اين است كه زمينه نفوذ شبكه‌هاي عربي تبار يهودي الاصل و صهيونستي در كشورهاي اسلامي مؤثرتر از كشورهاي ديگرا عمل مي‌كنند.

از طرف ديگر ريشه اصلي مخالفت شبكه‌هاي فوق الذكر گره خورده به كساني ايست كه نه تنها با رسولخدا كه پس از رسول خدا در مخالفت با اسلام محمدي و خاندان پيامبر و اهلبيت اوو مدافعان آنها مرتبط است. ساختارهاي اطلاعاتي واقتصادي كشورهاي عربي و عربهاي يهودي تبار مرتبط با صهيونيزم بين المللي از سالها به اين طرف است كه مسلمين را مورد هجمه قرار داده و براي نابودي وبدنام كردن آنها و يا انحراف اسلام كار مي‌كنند. آن‌ها نمي‌گذارند كه اسلام آنگونه كه بايد باشد به جهانيان عرضه شود واين اتفاقي است كه از ابتدا اسلام ِ پس از رسولخدا بر مسلماً نان تحميل شده است.

رؤيا روي شدن ناشي از غفلت و شتاب زدگي آمريكا با انقلاب اسلامي و تشديد دشمني با جهاد برحق مجاهدين واقعي افغانستان فرصتي براي حسودان شجره خبيثه و يهودي‌هاي عرب تبارگره خورده به گوساله پرستان سامري را بگونه سامان بخشيده است كه هر روز غايله خلق مي‌كنند و مي‌كشند وچپاول مي‌كنند.

بي خبر از اينكه انقلاب اسلامي با توكل بخدا و رهبري آگاه وملت معتقد به رهبري، چالش هارا تبديل به فرصت نموده و اسلام را بعنوان دين مبتني بر عقل و وحي وارد زندگي انسان متفكر واديشمند نموده وچه بسي كه فراتر از تفسير دنياي گذرا و دني كه به تفسير آخرت جاويدانه و عالي پرداخته است.

واقعيت انقلاب اسلامي با تكيه بر اراده مردم واحترام به آراء آنها در رابطه با انتخاب جمهوري اسلامي فصل جديرا در رابطه با ديموكراسي مرتبط با اسلام ارائه نمود. ديموكراسي كه براي تمامي متفكرين، سياسيون، انديشمندان، مبارزين وانقلابيون ملت‌ها راهي را باز كرد كه به تدريج، خود ارادیت توام با استقلال و آزادي مرتبط با دموكراسي غرب را نه تنها به چالش كشيد كه زير سؤال برد!

كار بجاي رسيد ه است كه ديموكراسي غرب علماً در رابطه با افغانستان، مصر، عراق، يمن، ليبي،

حتي خود آمريكا عملاً تبديل به دكتاتوري گرديده وبر ضد ديموكراسي عمل مي‌كند. اگر غير از اين بود چرا به انتخابات افغانستان و مصر و كشورهاي ديگر بهانداده و نمي‌دهند.!

آمريكا از ابتداي امر وارد پروژه اسلام زدايي بر خواسته از توطئه صهيو نسيزم عربي گرديد ه است ودراين رابطه نه تنها اغفال گرديد كه شتاب زده وارد ماجرا گرديده است.

جالب است كه مناديان دموكراسي و آزادي بدون توجه به دست رسي انسان آگاه ومسئول به جهان آر تباطات و تكنولوژي اقدام به ايجاد و تقويت شبكه‌هاي استخباراتي، تمويل و تجهيز گروهاي افراطي و تكفيري همچون طالب و القاعده و داعش وگروه هاي انتحاري و دهشت افگن نموده است كه هر روز به نوعي افشا گرديده وطرح و توطئه آنها بر ملأ مي‌گردد.

در حاليكه انقلاب اسلامي، با مخاطب قرار دادن متفكرين، انديشمندان، صاحب نظران، انقلابيون جامعه بشري را نه تنها مخاطب ساخته كه دعوت بحق و عدل و انصاف و آزادي و علم و حقوق شهروندي مي‌نمايد مضافاً، مخالفت با تحجر و جهل و خشونت و ترور و انتحار را وظيفه و اداي تكليف هرمسلمان و انسان بخصوص متفكرين و صاحب خردان مي‌داند.

حقيقت غير قابل انكار و روبرشد انقلاب اسلامي در راستاي دفاع ونجات انسان سر خورده از ستم و جهل و تحجر و تجاوز و خشونت به همان اندازه روشن، شفاف، منطقي و طبيعي است كه تحمل ناامني و تشديد دهشت افگني و تمويل تروريزم و شبكه‌هاي انتحاري گروهاي همچون طالبان و داعش و القاعده بر ملتها ست.

باتوجه به نگاه محترم دكتر نادر ساعد دركتاب ائتلاف جهاني عليه تروريزم براي صلح عادلانه و انعكاس آن در مجمع بين المللي صلح جهاني مبني بر اينكه: (در مقابل دور نماي وحشت ناكي كه براي بشريت در پيش است به عيان در مي‌يابيد كه صلح تنها پيكاريست كه ارزش در گير شدن را دارد)

اين جانب عرض مي‌دارم كه پيام انقلاب اسلامي ومعتقد ين به اسلام به نسبت تمامي انسانها اعم از دوستان و دشمنان فراخوانيست كه صلح را با نگاه بلند رسول گرامي اسلام و فر مايش ايشان مي‌شود ترسيم نمود وآن اينكه: هر چه براي خود مي‌پسنديد براي ديگران هم بپسنديد)

براستي اگر فرمايش رسول گرامي اسلام به نسبت انسانها عملي شود و هريک از انسانها آنچه را براي

خود روا مي‌دارند براي ديگران هم روا بدارند در جامعه انساني هيچ مشكلي نخواهد بود چه رسد به جنگ و خونريزي، اين است كه صلح در بستر صلح فقط بخاطر اهميت صلح وامنيت ممكن مي‌گردد. زيرا صلح وامنيت تنها بستري ايست كه براي عموم مردم يكسان زمينه سازي مي‌كند.

برادران وخواهرا

واقعيت موجود نشان مي‌دهد كه زمان زور گويي قدرتهاي بزرگ بين المللي و سوء استفاده از ملل ضعيف و عقب افتاده همراه با تهديد و فشار و تجاوز ولشكر كشي به كشورهاي ضعيف و يا تقسيم آنها، بين قدرتهاي بزرگ و حمايت از دولت غاصب اسرائيل، همراه با بي عدالتي بعنوان حقيت غير قابل انكار از ملل عقب افتاده نه تنها تمام شده است كه وحشت سران استكبار بين المللي بر خواسته ازتحول مبتني بر اسلام و آگاهي ملل جهان بخصوص متفكرين جهان غرب و اروپا به نسبت تشديد گروهاي دهشت افگن تند رو وافراطي و هكذا تمويل شبكه‌هاي تروريزم، وانتحاري مرتبط با القاعده، طالب، داعش، سپاه صحابه، و ده‌ها نام ديگر در عراق، سوريه، يمن، ليبي، مصر، سودان، افغانستان، پاكستان وساير كشورها، موقعيت و جايگاه قدرتهاي بزرگ را نه تنها زيرسوال برده و به چالش كشيده است. كه متفكرين و انديشمندان جامعه بشري را كه سر مايه‌هاي اصلي انسان در زمين‌اند، نسبت به اسلام ومسلمانان خوش بين نموده است.

باتوجه به جايگاه و كرامت انسان متفكرو خدامحورِ دين مدار، در اسلام مي‌توان گفت: كه در هيچ يک از قوانين ويا مكتبي از مكاتب جهان حتي اديان ديگرجايگاه انسان اين گونه بيان نشده است كه در اسلام و كلام خدا وند تبارک وتعالي بيان شده است. قر آن مي‌فرمايد: هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون و پيامر ش كه حبيب خداست مي‌فرمايند تفكر الساعته خير من عباد التسبعين حسنه و يا تاكيد فرموده‌اند: طلبلعلم فر يضته علي كل مسلم ومسلمه و هم چنان فرموده‌اند: اطلب العلم من المهد الاالحد و غيره، طبيعي ايست كه اگر چنانچه فرصت تفكر پيرامون جايگاه انسان از نظر اسلام صورت بگيرد اسلام جهاني شده و بساط دشمنان اسلام ومسلمين چيده مي‌شود

وچه زيباست كه اسلام به صرف اينكه مطالعه شود كافي نبوده است كه مستلزم عمل است. متاسفانه بايد گفت: آنچه در جهان كنوني در حال شكل گرفتن است نه تنها بحث پند و عبرت گرفتن از اتفاقات و حوادث طبيعي و غير طبيعي مربوطبه سرنوشت انسانها نيست كه تكرار مصيبت‌هاي وارده بر انسان رانده شده و اسير در جغرافيا و قلمرو حاكميت انسان‌هاي خود محور است

نشانه‌هاي تروريزم و دهشت افگني گروه‌هاي افراطي و تندرو القاعده وداعش واقعيت جديد سياست بين المللي ايست كه در واكنش به جهاد ملت افغانستان و پيروزي انقلاب اسلامي و بيداري امت اسلامي در جامعه بشري ازطرف قدرت‌هاي بزرگ بواسطه افراد مذهبي و افراطي بنام اسلام شكل گرفته و سروسامان داده مي‌شود. تا با عنوان كردن آنها از گسترش انقلاب اسلامي جلو گيري نموده باشند.

گذشته تروريزم نشان مي‌دهد كه (ريشه‌هاي اصلي تروريسم در جهان غرب شكل گرفته و در ادبيات جورج بوش و برخي از نظريه پردازان غربي بكار گرفته شده است. و گفته مي‌شود: از سال 2001 به بعد محور اصلي ادبيات سياسي رژيم صهيونستي، امريكا و بسياري از كشورهاي غربي بويژه فرانسه وانگلستان محسوب مي‌شود.

يكي از واكنش‌هاي مهمي كه آمريكا و قدرتهاي همسو با آمريكا از خود نشان داد واكنش عليه جهاد و مجاهدين افغانستان و پيروزي انقلاب اسلامي بوده و هنوزهم است. اينكه تروريزم در گذشته چه مراحلي را طي نموده است وسابقه آن به قرن 18 وجنگهاي داخلي آمريكا بر مي‌گردد وچه بسي كه براي باز پس گيري قدرت سياسي از دست رفته بصورت تشكيلات سازماني در آمده ومورد استفاده قرار گرفته است.

لا كوثر بعنوان نظريه پرداز، دروره هاي مختلف تروريسم را مورد بحث قرار داده مي‌گويد: گفتمان اصلي تروريزم در قرن 19 واوايل قرن 20 واكنش نسبت به بي عدالتي‌هاي اقتصادي سرمايه داري بوده است.

در روسيه هم گروهاي تروريست اقدام به ترور مقامات سياسي ونظامي بعنوان فدا كاري روي مي‌آوردند. ودر فرانسه پس از انقلاب در نتيجه رشد افكار واديشه هاي ماركسيسيتي سوسيالستي به عنوان واكنش دربرابر سرمايه داري بصورت گروهاي انقلابي به ترور متوصل مي‌شدند. به هرصورت آنچه مهم است اين است كه تروريزم بر مرتبط با نيروي‌هاي طالب، القاعده، داعش و دهشت افگني هاي گره خورده به انتحار وانفجارچيزي جز واكنش در رابطه با اسلام، جهاد، انقلاب اسلامي و بيداري امت اسلامي و متفكرين جامعه بشري نيست. حقيقت بر خورد غرب و آمريكا در بر خورد با انقلاب اسلامي چيزي جز تشديد، تمويل، تجهيز، و حمايت سياسي نظامي و اقتصادي تروريزم نيست. آمريكا در تباني باقدرتهاي جهاني و بعضاً دولتهاي همسو با آمريكا و اسرائيل انگليس و عربستان سعودي گروهاي تروريستي و دهشت افگن را زير نام گروهاي اسلامي سازمان دهي نموده تا اسلام را دين خشونت و مسلمانان را مردم خشن معرفي نموده واز گسترش و جهاني شدن انقلاب اسلامي جلو گيري نموده باشند. اين درحالي ايست كه انقلاب اسلامي را به انقلاب ارزشها تفسير نموده‌اند. و مي‌رود كه انسان تهي از ارزش رايک بار ديگر عزت بخشيد ه و دعوت

به انديشه نمايد انديشه كه مرزها و مغزها را در نورديده و به نمايش مي‌گذارد. نمايشي كه فراتر از ديوار بتني و سيم خار دار و شكنجه و تهديد و يا تطميع كار بردي دارد.

ورود در قلمرو آن نه تنها اجراي مسئو ليت است كه اداي تكليف است (علي كلكم راع وكلكم مسئو ل عن رعيته) فرموده است (وقفو هم مسئولون) است.

چگونه ممكن است ديني كه نگاهش نسبت به انسان اين گونه بلند و بالاست، به نسبت كشتن ويا كشتار فردي و يا دسته جمعي آنها آنهم توسط مسلمانان چون طالب و القاعده داعش وزير مجموعه آنها گروه‌هاي افراطي بي تفاوت بوده انديشه نكرد ه ويا دستور العملي صادر نكرده باشد!

وقتي به واقعيت انجام شده و يادر حال انجام رويدادهاي، سياسي، اجتماعي، نظامي و جغرافيايي در كشورها و جغرافياي جهان مي‌نگري آيا هنوزهم فرياد (فاعتبرو يا اولاالبصار) را به بلنداي آسمان و پهناي زمين نديده ونشنيده مي‌پنداري و آيا فرياد (باي ذنب قتلت) را هنوز هم ناديده مي‌نگري!

فريادي كه امام راحل خميني كبير و بزرگ پيش از نيم قرن قبل از امروز نه تنها شنيد و مشاهده نمود كه عكس العمل نشان داده و شعار بزرگمرد چون سيد جمال الدين الحسيني الافغاني را در راستاي عملياتي كردن كلمه التوحيد به توحيد الكمه تا كيد نموده و چه زيبا كه صحبت از نجات مستضعفين مي‌نمايد.

او همچون جدش حسين ابن علي در برابر استبداد فرياد بر آورد تا، انسانرا از محاصره مرزها و مغزهاي منجمد و ميان خالي نجات بدهد و اجازه ندهد كه حاكمانِ و زور گويان، انسان بزرگ و شريف را در استخدام خويش داشته و از دست آورد آنها سو ء استفاده‌هاي مادي ومعنوي نمايد. زيرا خداوند انسانرا عزت و كرامتي بخشيده است كه بايد پيد آكند.

قرائت امام خميني از حكومت اسلامي به عنوان ولايت فقيه، سال‌ها قبل از پيروزي انقلاب اسلامي مغزها را متحول ساخته و مرزها را در نورديده است.

هم چنانيكه امروزحكومت اسلامي مبتني بر ولايت فقيه كشورها را درنورديده و مغزهارا متحول ساخته ودلها را تسخير نموده است. و چه بسي كه دانشمندان ومتفكرين و صاحب نظران را در دفاع از خودملزم به اداي تكليف نموده تا موانع را بر دارند و زمينه را براي انقلاب به معني واقعي كلمه اسلامي تدارک

ببينند.

اين‌ها كساني اند كه حفظ، بقا و تداوم حكومت مبتني بر اسلام را بعنوان رسالتي مثتمر و پيگير، بر دوش علماي عامل، عرفاي كامل و فقهاي عادل و ر وندگان راه او بخصوص پيش كسوتان مبارزو عاشقان اهلبيت و اسلام نبوي زير قيادت رهبر و ولي امر مسلمين دامنت بر كا ته مي‌دانند. چيزيكه فهم آن براي بسياري از سياست مداران و زور گويان وحتي آن‌هاي كه اهل سياست و ديانت است قابل درک نيست.

ولايت فقيه تنها تئيو ري و بهترين تئيوري است كه متناسب به زمان ومكان جريان حركت جامعه بشري را تفسير نموده و انسان را متناسب به وضع موجود در مسير مطلوب به تربيت گرفته و سازندگي و توسعه را متناسب به اصول مبتني بر اسلام ومنافع اسلامي بيمه مي‌كند

دشمنان قسم خورده و كينه توز اسلام با حسادت از جايگاه اسلام وحسرت از موقعيت كاريز ماتيک وارثين حقيقي و عصابانيت ناشي از پيروزي انقلاب اسلامي اقدام به بر اندازي نظام، تخريب تيئوري، تحريک صفوف و تضعيف اراده جمعي نموده و ابتدا به ساكن اسلام شريعت را، در برابراسلام ديانت و ولايت عنوان نموده و به سرياز گيري پرداخته واقدام به تربيت و انسجام گروهاي افراطي نموده‌اند.

در كنار سر باز گيري، حمايت از شبكه‌هاي مربوط به گروهاي افراطي همچون طالبان و القاعده و داعش وزير مجموعه گروه‌هاي افراطي و متحجرو تكفيري، انقلاب اسلامي را نشانه گرفته و مسلمانان حقيقي و مبارزين واقعي و انقلابيون مستقل مسلمان و روندگان طريقت خميني را در رديف گروهاي تروريستي تبليغ نموده و افغانستان و عراق و سوريه و يمن و مصر و ليبي و كشورهاي اسلامي را پايگاه و حامي مخالفين انقلاب اسلامي قرار داده و ولانه گروهاي دهشت افگن و انتحاري ساخته و تمويل و تجهيز مي‌كنند. تا تيئوري مرتبط به انقلاب اسلامي و ولايت فقيه را ازدور خارج سازند.

اما اراده الهي جزء اين نيست كه از دين و ديندااران و دين باوران وروندگان صالح و سالم حمايت كند، اين وعده الهي است تا خلافت زمين را به مستضعفين صالحي بدهد كه عدل و قسط را جاگرين ظلم و نابرابري مي‌نمايد.

وچه نيكو خواهد بود كه ما ونسل ما در عصر و زمانيكه هستيم مؤمن در راه و مخلص به عمل و صادق در گفتار و رونده قافله باشيم كه مأموريت اجرايي و عملي آن گره خورده به وجود ثالاله پاک رسولخدا و ذريه ابراهيم خليل ا مي‌باشد.

جناب رئيس:

اينجانب بعنوان عضوكوچک مجمع تقريت مذاهب اسلامي ضمن تقدير از بر گذاري نماز جماعت مشترک بر پيشنهاد سال گذشته مبني بر انتخاب هيئتي از اعضاي مجمع تقريب مذاهب اسلامي به نمايندگي از جهان اسلام و فرستادن آنها درکشور هاي اروپايي وغربي وساير بلاد ديگر اين امکان ميسر است که مجمع تقريب مذاهب اسلامي به نمايندگي از جهان اسلام بخصوص مجمع بزرگ تقريب مذاهب اسلامي، اقدام به رفع اتهامات نموده و آنچه را که ساخته و پرداخته دشمنان اسلام است و به اسلام که دين رحمت است نسبت داده و مي‌دهند از دامن اسلام بزدايند. زيرا از شا َن اسلام که دين تمامي انبيا ء الهي است، بدور است. و براي پيروان اديان الهي است که به نسبت اتهام‌هاي وارده بر دين انبيايشان، عکس العمل نشان داده بر تعهد و ميثاقشان نسبت به پيامران شان وفا دار باشند.

اين جانب فکر مي‌کنم که اعزام هيئتي بدين منظور مي‌تواند در راستاي دومين نامه ولي امر مسلمين به جوانان غرب و اروپا مفيد و مؤثر باشد. در پايا ضمن آرزوي توفيق شما از صبر و حوصله مندي همه شما متشکرم.

.

ولسلام و عليکم و رحمت ا و برکاته

محمد رحيم افضلي عضو مجمع تقريب مذاهب سلام

چكيده:

جناب رئيس، هيئت محترم، حضار گرامي خواهران و برادران سلام عليكم و رحمت ا و بركاته.

محترماً: اجازه بفر مائيد مختصراً مطلبي پيرامون، (دشمنان انبياي الهي: از گوساله پرستا ن سامري تا صهيونيزم بين المللي و تكفيري‌هاي عرب تبار يهودي الاصل داعش، در مقابله با ا نقلاب اسلامي) باشما صحبت نمايم.

اما قبل از هرچيز، شايسته و سزاوار ميدانم ياد امام راحل رهبركبيرو فر زانه انقلاب و بنيان گزار جمهوري اسلامي را گرامي داشته و درود بي پايان خويش را بر روان آن عارف شب زنده دار، متوكل به خدا، مطمئن به عنايات الهي و همكاري مردم بفرستم.

و از دين باوري عميق وژرف ولي امر مسلمين رهبر فرزانه انقلاب اسلامي نسبت به اسلام، ولايت، و وحدت امت اسلامي نه تنها بايد آموخت كه تشكرو قدر داني نمايم، كه مجمع تقريب مذاهب اسلامي را در راستاي هدف بلند امام راحل مديريت و رهبري نموده تا بادرک او لويت هاي زماني و مكاني اسلام و مسلمين در رابطه با سرنوشت آنها به صحبت نشسته وبستري براي بيداري انسانها و تحقق اسلام و ظهور حضرت حجت ابن الحسن العسكري (ع) تدارک ديده و آماده سازي مي‌كنند.

حضارمحترم: جناب رئيس

بحران وچالش بوام با شكست در اردو گاه قدرتهاي بزرگ بين المللي به معني حقيقي كلمه زماني رقم زده شد كه پير مردي از تبار ابراهيم تبر بدوش، صراط المستقيم هدايت را نه تنها در تدبير و انديشه كه در رفتن بطرف جهان فراتر از جهان قدرتهاي بزرگ جهاني ترسيم، توصيه و عمل نمودندو چه زيبا فرمودند كه: ملت آمريكا كم كم بيدار مي‌شوند و خواهد شد.....

همچنانيكه رهبر فرزانه انقلاب و ولي امر مسلمين با رهنمودهاي خرد مندانه وتلاش توام با اميد صحبت از آگاهي جوانان و متفكرين و انديشمندان جهان بخصوص اروپا و غرب را عنوان نموده كه اگر چنانچه خوب و دقيق مديريت شود مطمئناً اثراتي را در اقصي نقاط جهان بخصوص كشورهاي اسلامي و متفكرين در پي خواهد داشت.

در روشنايي بيان زيبا و قاطع ولي امر مسلمين اعلام مي‌نمايم: كه دشمنان اسلام با استفاده از تحجر و تعصب توام با حسادت نسبت به اسلام محمدي (ص) وسيره رسو ل ا در تباني با صهيو نيزم بين المللي و پس مانده‌هاي كينه توز وحسود شجره خبيثه و تكفيري‌هاي مرتبط با يهود، نسبت به خاندان عصمت و طهارت زير نام اسلام چهره پنهان نموده است تا جلو جهاني شدن اسلام و انقلاب اسلامي را گرفته و مسلمانان را بد نام كنند

يرادران و خواهران:

انديشه اسلام زدايي پس از پيروزي انقلاب اسلامي عليه اسلام مبتني بر كتاب ا و عقل گره خوره به خاندان عصمت و طهارت و بيداري امت اسلامي، پديده دور از توقع نبوده است واگر چنانچه كساني فكر كرده و يا مي‌كنند كه دشمنان اسلام نبوي و انقلابي دست روي دست مي‌گذارند وتوطه نمي‌كنند، بايد بدانند كه دشمنان اسلام در اين عصر و زمان به نسبت هر زمان و عصر ديگر نه تنها فعال‌تر شده‌اند كه تمامي تلاش و توطئه خود را با شبكه‌هاي صهيونستي عربي و غير عربي در دشمني با اسلام محمدي به همكاري قدرتهاي بزرگ و شبكه‌هاي مافيايي و استخباراتي دولت‌هاي وابسته به استكبار جهاني در راستاي مخالفت با انقلاب اسلامي بكار انداخته تا جلو رشد و گسترش انقلاب اسلامي و اسلام محمدي را بگيرند.

ساختارهاي سياسي اطلاعاتي واقتصادي كشورهاي عربي و عربهاي يهودي تبار مرتبط با صهيونيزم بين المللي از سالها به اين طرف است كه مسلمين ارادت مند به اهلبيت پيامبر خدارا را مورد هجمه قرار داده و براي نابودي وبدنام كردن آنها و يا انحراف اسلام ناب كار مي‌كنند. آن‌ها نمي‌گذارند كه اسلام آنگونه كه بايد باشد به جهانيان عرضه شود واين اتفاقي است كه از ابتدا اسلام ِ پس از رسولخدا بر مسلماً نان تحميل شده است.

رؤيا روي شدن ناشي از غفلت و شتاب زدگي آمريكا با انقلاب اسلامي و تشديد دشمني با جهاد برحق مجاهدين واقعي افغانستان فرصتي براي حسودان شجره خبيثه و يهودي‌هاي عرب تبارگره خورده به گوساله پرستان سامري را بگونه سامان بخشيده است كه هر روز غايله خلق مي‌كنند و مي‌كشند وچپاول مي‌كنند.

بي خبر از اينكه انقلاب اسلامي با توكل بخدا و رهبري آگاه وملت معتقد به رهبري، چالش هارا تبديل به فرصت نموده و اسلام را بعنوان دين مبتني بر عقل و وحي وارد زندگي انسان متفكر واديشمند نموده وچه بسي كه فراتر از تفسير دنياي گذرا و دني كه به تفسير آخرت جاويدانه و عالي پرداخته است.

واقعيت انقلاب اسلامي با تكيه بر اراده مردم واحترام به آراء آنها در رابطه با انتخاب جمهوري

اسلامي فصل جديرا در رابطه با ديموكراسي مرتبط با اسلام ارائه نمود. ديموكراسي كه براي تمامي متفكرين، سياسيون، انديشمندان، مبارزين وانقلابيون ملت‌ها راهي را باز كرد كه به تدريج، خود ارادیت توام با استقلال و آزادي مرتبط با دموكراسي غرب را نه تنها به چالش كشيد كه زير سؤال برد!

كار بجاي رسيد ه است كه ديموكراسي غرب علماً در رابطه با افغانستان، مصر، عراق، يمن، ليبي، حتي خود آمريكا عملاً تبديل به دكتاتوري گرديده وبر ضد ديموكراسي عمل مي‌كند. اگر غير از اين بود چرا به انتخابات افغانستان و مصر و كشورهاي ديگر بهانداده و نمي‌دهند.! .....

آمريكا از ابتداي امر وارد پروژه اسلام زدايي بر خواسته از توطئه صهيو نسيزم عربي گرديد ه است ودراين رابطه نه تنها اغفال گرديد كه شتاب زده وارد ماجرا گرديده است. .....

در حاليكه انقلاب اسلامي، با مخاطب قرار دادن متفكرين، انديشمندان، صاحب نظران، انقلابيون جامعه بشري را نه تنها مخاطب ساخته كه دعوت بحق و عدل و انصاف و آزادي و علم و حقوق شهروندي مي‌نمايد مضافاً، مخالفت با تحجر و جهل و خشونت و ترور و انتحار را وظيفه و اداي تكليف هرمسلمان و انسان بخصوص متفكرين و صاحب خردان مي‌داند.

..... باتوجه به نگاه محترم دكتر نادر ساعد دركتاب ائتلاف جهاني عليه تروريزم براي صلح عادلانه و انعكاس آن در مجمع بين المللي صلح جهاني مبني بر اينكه: (در مقابل دور نماي وحشت ناكي كه براي بشريت در پيش است به عيان در مي‌يابيد كه صلح تنها پيكاريست كه ارزش در گير شدن را دارد)

اين جانب عرض مي‌دارم كه پيام انقلاب اسلامي ومعتقد ين به اسلام به نسبت تمامي انسانها اعم از دوستان و دشمنان فراخوانيست كه صلح را با نگاه بلند رسول گرامي اسلام و فر مايش ايشان مي‌شود ترسيم نمود وآن اينكه: هر چه براي خود مي‌پسنديد براي ديگران هم بپسنديد)

براستي تحقق فرمايش رسول گرامي اسلام به نسبت انسانها، رمز اصلي تحقق صلح است. صلحي كه در بستر صلح فقط بخاطر اهميت صلح وامنيت ممكن مي‌گردد. زيرا صلح وامنيت تنها بستري ايست كه براي عموم مردم يكسان زمينه سازي مي‌كند.

حضار گرامي:

گذشته تروريزم نشان مي‌دهد كه (ريشه‌هاي اصلي تروريسم در جهان غرب شكل گرفته و در ادبيات جورج بوش و برخي از نظريه پردازان غربي بكار گرفته شده است. و گفته مي‌شود: از سال 2001 به بعد محور اصلي ادبيات سياسي رژيم صهيونستي، امريكا و بسياري از كشورهاي غربي بويژه فرانسه وانگلستان محسوب مي‌شود.)

يكي از واكنش‌هاي مهمي كه آمريكا و قدرتهاي همسو با آمريكا از خود نشان داد واكنش عليه جهاد و مجاهدين افغانستان و پيروزي انقلاب اسلامي بوده و هنوزهم است. جاي گفتمان دارد.....

به هرصورت آنچه مهم است اين است كه تروريزم مرتبط با نيروي‌هاي طالب، القاعده، داعش و دهشت افگني هاي موجود واكنش مستقيم آمريكا و استكبار بين المللي در برخورد با انقلاب اسلامي و چيزي جز تشديد، تمويل، تجهيز و حمايت سياسي نظامي و اقتصادي تروريزم نيست شكي وجود ندارد. اينكه آمريكا در تباني باقدرتهاي جهاني و بعضاً دولتهاي همسو با آمريكا و اسرائيل انگليس و عربستان سعودي گروهاي تروريستي و دهشت افگن را زير نام گروهاي اسلامي سازمان دهي نموده است واضح است. آنچه مهم است اين است كه آنها از واقعيت گسترش و جهاني شدن انقلاب اسلامي در هراس‌اند. آن‌ها مي‌دانند كه انقلاب اسلامي به انقلاب ارزشها مشهور است. و مي‌رود كه انسان تهي از ارزش رايک بار ديگر عزت بخشيد ه و دعوت به انديشه نمايد. انديشه كه مرزها و مغزها را در نورديده و به نمايش مي‌گذارد. نمايشي كه فراتر از ديوار بتني و سيم خار دار و شكنجه و تهديد و يا تطميع و بمب و كشتار كار بردي دارد.

ورود در قلمرو آن نه تنها اجراي مسئو ليت است كه اداي تكليف است (علي كلكم راع وكلكم مسئو ل عن رعيته) فرموده است (وقفو هم مسئولون) است.

وقتي به واقعيت انجام شده و يادر حال انجام رويدادهاي، سياسي، اجتماعي، نظامي و جغرافيايي مرتبطه به اسلامم وانديشه اسلامي مي‌نگرند فرياد (فاعتبرو يا اولاالبصار) را به بلنداي آسمان و پهناي زمين شنيده و ومي نگرند كه اسلام بعنوان نجات انسان نه تنها بهترين عرضه كننده راه نجات انسان در زمين است كه فرياد (باي ذنب قتلت) را به بلنداي آسمان عذرضه مي‌دارد.

فريادي كه امام راحل خميني كبير و بزرگ پيش از نيم قرن قبل از امروز نه تنها شنيد و مشاهده نمود كه عكس العمل نشان داده و شعار بزرگمرد چون سيد جمال الدين الحسيني الافغاني را در راستاي

عملياتي كردن كلمه التوحيد به توحيد الكمه تا كيد نموده و چه زيبا كه صحبت از نجات مستضعفين مي‌نمايد.

قرائت امام خميني از حكومت اسلامي به عنوان ولايت فقيه، سال‌ها قبل از پيروزي انقلاب اسلامي مغزها را متحول ساخته و مرزها را در نورديده است.

هم چنانيكه امروزحكومت اسلامي مبتني بر ولايت فقيه كشورها را درنورديده و مغزهارا متحول ساخته ودلها را تسخير نموده است. و مي‌رود كه دانشمندان ومتفكرين را در دفاع از اسلام ملزم به اداي تكليف نموده تا موانع را بر دارند و زمينه را براي انقلاب به معني واقعي كلمه اسلامي تدارک ببينند.

اين‌ها كساني اند كه حفظ، بقا و تداوم حكومت مبتني بر اسلام را بعنوان رسالت، بر دوش علماي عامل، عرفاي كامل و فقهاي عادل و ر وندگان راه او بخصوص پيش كسوتان مبارزو عاشقان اهلبيت و اسلام نبوي زير قيادت رهبر و ولي امر مسلمين دامت حفاظاته مي‌دانند.

تئيو ري ولايت فقيه نماد و جرقه ايست در عصر وزمان ما كه جريان حركت جامعه بشري شفاف و قابل درک تفسير نموده و انسان به بن بست رسيده را متناسب به وضع موجود در مسير مطلوب به تربيت گرفته و هدايت مي‌كند تا سازندگي و توسعه را متناسب به اصول مبتني بر اسلام ومنافع اسلامي بيمه كند

دشمنان قسم خورده و كينه توز اسلام با حسادت از جايگاه اسلام وحسرت از موقعيت كاريز ماتيک وارثين حقيقي و عصابانيت ناشي از پيروزي انقلاب اسلامي اقدام به بر اندازي نظام، تخريب تيئوري، تحريک صفوف و تضعيف اراده جمعي نموده و ابتدا به ساكن اسلام شريعت را، در برابراسلام ديانت و ولايت عنوان نموده و به سرياز گيري پرداخته واقدام به تربيت و انسجام گروهاي افراطي نموده‌اند.

در كنار سر باز گيري، حمايت از شبكه‌هاي مربوط به گروهاي افراطي همچون طالبان و القاعده و داعش وزير مجموعه گروه‌هاي افراطي و متحجرو تكفيري، انقلاب اسلامي را نشانه گرفته و مسلمانان حقيقي و مبارزين واقعي و انقلابيون مستقل مسلمان و روندگان طريقت خميني را در رديف گروهاي تروريستي تبليغ نموده و افغانستان و عراق و سوريه و يمن و مصر و ليبي و كشورهاي اسلامي را همانند پاكستان پايگاه تروريزم و دهشت افگني در مخالفت به انقلاب اسلامي قرار داده تا تيئوري مرتبط به انقلاب اسلامي و ولايت فقيه را ازدور خارج سازند.

اما اراده الهي جزء تحقق وعده الهي است تا خلافت زمين را به مستضعفين صالحي بدهد كه عدل و قسط را جاگزين ظلم و نابرابري مي‌نمايد.

وچه نيكو خواهد بود كه ما ونسل ما در عصر و زمانيكه هستيم مؤمن در راه، مخلص در عمل، صادق در گفتار و رونده قافله باشيم كه مأموريت اجرايي و عملي آن گره خورده به وجود ثالاله پاک رسولخدا و ذريه ابراهيم خليل ا مي‌باشد.

جناب رئيس:

اينجانب بعنوان عضوكوچک مجمع تقريت مذاهب اسلامي ضمن تقدير از بر گذاري نماز جماعت مشترک سال گذشته بر پيشنهاد قبلي مبني بر انتخاب هيئتي از اعضاي مجمع تقريب مذاهب اسلامي به نمايندگي از جهان اسلام و فرستادن آنها دركشور هاي اروپايي وغربي وساير بلاد ديگر، اقدام به رفع اتهامات وارده بر اسلام ومسلمين نموده وبه اتهام وشبهه ساخته و پرداخته دشمنان اسلام است به پردازند. زيرا اين امكان ميسر است كه مجمع تقريب مذاهب اسلامي به نمايندگي از جهان اسلام اتهام وارده را منتفي سازند. انشا ا زيرا از شا َن اسلام كه دين تمامي انبيا ء الهي است، بدور است. و براي پيروان اديان الهي است كه به نسبت اتهام‌هاي وارده بر دين انبيايشان، عكس العمل نشان داده بر تعهد و ميثاقشان نسبت به پيامران شان وفا دارباشند. ايجانب ياور دارم كه اعزام نمايند گان تقريب در راستاي سرعت بخشيدن به آرمان انقلاب اسلامي مفيد و مؤثر خئاهد بود. انشا ا.

والسلام و عليكم و رحمت ا و بركاته

محمد رحيم افضلي